

## سخن آقای مهدی طایفه نوروزی درباره خانم مرضیه حدیدچی (خواهر دباغ)

### حس غرور برای داشتن چنین فرمانده ای

برای ماموریت با پیکانی به گنج نامه رفتیم. به ما گزارش رسیده بود که عده ای از ارازل و اوباش آنجا هستند و ایجاد ناامنی می کنند. توانستیم آنها را دستگیر کنیم و سوار پیکان شان کردیم. همه مرد بودیم غیر از فرمانده مان خانم دباغ که خواهر صدایشان می زدیم . دستور دادند همه سوار شوند و در ماشین را بستند و در حالیکه کلاش شان را روی دوش انداختند، از در ماشین گرفتند و آویزان شدند و تا سپاه همان طور آمدیم. این قدرت بدنی ایشان و حفظ حریمی که رعایت می کردند تعجب و تحسین همه را برانگیخت و از داشتن چنین فرمانده ای احساس غرور می کردیم.